

خط تولید خنده با مدیریت «گل آقا» و رفقا

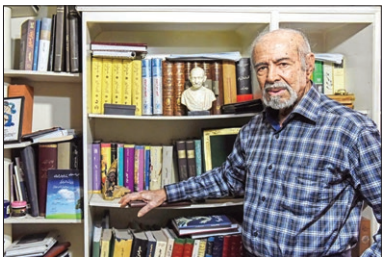
در زادروز عمران صلاحی، یکی از برجسته‌ترین طنزپردازان تاریخ معاصر ایران، از کارنامه‌گران سنگ او و رفاقت ۴۰ ساله‌اش بازنده‌یاد کیومرث صابری فومنی نوشته‌ایم



صدرا محقق، روزنامه‌نگار، با انتشار عکسی در حساب توییترش نوشت: «کافه‌ای در سعادت‌آباد تهران روی شیشه‌اش نوشته: Speak English، یعنی انگلیسی حرف بزنی. این یکی دیگه به جای بلغور کردن کلمه‌های انگلیسی و تعیین قیمت دلاری برای غذاهایش تصمیم گرفته مستقیم بره انتهای داستان». از این نوشته این‌طور برمی‌آید که گویا در انگلیسی صحبت کردن فضیلتی هست که در صحبت به زبان فارسی نیست! به عبارتی، هر کسی که فارسی حرف بزند، حضورش در شأن این کافه و صاحبانش نیست! پرسش این جاست که بر این‌گونه مکان‌های عمومی نظارت می‌شود؟ اصلاً نظارتی هست؟

ادبی

۴ نسل بارمان‌های من
زندگی کرده‌اند



خود را روزنامه‌نگار حرفه‌ای معرفی می‌کند و داستان‌های عاشقانه را ماندگارترین داستان‌ها می‌داند؛ ر. اعتمادی، نویسنده رمان‌های پرفروش عاشقانه که در ۸۸ سالگی، خود را ۲۵-۲۴ ساله حس می‌کند. به گزارش ایسنا، این نویسنده درباره شرایط فعلی‌اش می‌گوید: «از داستان‌نویسان نسل من، فقط من مانده‌ام؛ این خود یک رنج است و مایه خوشحالی من نیست که آن‌ها رفته‌اند و من مانده‌ام. این بخت را داشته‌ام که در این سن رمان می‌نویسم و مردم استقبال می‌کنند. الان چهار نسل است که با رمان‌های من زندگی کرده‌اند».

غلط‌نویسیم

آشعار/اشعار
این دوواژه را نباید با هم اشتباه کرد. اشعار جمع «شعر» و اشعار به معنای «اطلاع دادن» است و ترکیب فعلی آن در فارسی اشعار داشتن است.

اکثرا
در عربی کلمه اکثر مانند دیگر کلمات بر وزن «افعل» تنوین نمی‌گیرد؛ بنابراین اکثرا نیز مانند اقلا از لحاظ دستور زبان عربی غلط است. در فارسی به آن می‌توان گفت غالباً یا واژه بیشتر را با تغییر در ساخت جمله به کار برد.

جوهره
این واژه در سال‌های اخیر ساخته‌اند و به معنای «اصل، ذات، سرشت» به کار می‌برند، اما نیازی به جعل این واژه نبوده است زیرا جوهر خود به همین معناست.

برگرفته از کتاب «غلط‌نویسیم»
تالیف زنده‌یاد ابوالحسن نجفی

الیه آرنیان-امروز سالروز تولد ۷۵ سالگی شاعر طنزازی است که دوسال پیش از این که بار سفر بندد و از دنیا برود، خودش را این‌طور معرفی کرده بود: «نام عمران است و فامیلم صلاحی. نام کوچکم را عمومی، مراد انتخاب کرده‌است؛ از قرآن و سوره آل عمران. ترک‌ها به من می‌گویند عیمران و فارس‌ها گاهی با کسره و اکثراً با ضمه صدایم می‌کنند. ناشران و مترجمان گاهی گیج می‌مانند که نامم را به لاتین با E بنویسند یا با O. هر کس هر طوری دوست دارد بنویسد و بخواند». عمران صلاحی در یکی از شعرهایش خودش را خیلی بهتر معرفی می‌کند و از این می‌گوید که دوست دارد چطور صدایش کنیم: «درخت را به نام برگ / بهار را به نام گل / ستاره را به نام نور / کوه را به نام سنگ / دل شکفته مرا به نام عشق / عشق را به نام درد / مرا به نام کوچکم صدایزن». عمران صلاحی اول اسفندماه ۱۳۲۵ به دنیا آمد و در ۱۱ مهر ۱۳۸۵ چشم از جهان فروست. در کارنامه شعر و شاعری عمران صلاحی، همه جور شعری پیدا می‌شود، اما او بیشتر به عنوان یکی از پیشگامان طنزپردازی در ایران و پژوهش در این زمینه شناخته می‌شود. همچنین عمران صلاحی، یکی از دوستان و یاران زنده‌یاد کیومرث صابری فومنی (گل آقا) در ماهنامه گل آقا بود که دوستی و رفاقتشان از روزنامه توفیق شکل گرفت و حدود ۴۰ سال ادامه پیدا کرد. به مناسبت زادروز این شاعر معاصر، از زندگی و آثارش بیشتر نوشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ از فوق دیپلم مترجمی انگلیسی تا ویراستاری
صلاحی در زندگی‌نامه خود نوشتش که در سال ۸۳ به نام «سو پیشینه» در فصلنامه گویان منتشر شد، می‌نویسد: «فوق دیپلم مترجمی زبان انگلیسی دانشکده ادبیات تهران را دارم. با این مدرک نیم‌بند فقط توانستم در سازمان رادیو و تلویزیون به عنوان کارمند اداری استخدام شوم. بعدها ویرم گرفت و ویراستار شدم. در سال ۷۵ در حالی که مسئول کتابخانه فروش بودم به افتخار بازنشتی نائل آمدم». او درباره این که چطور به قول خودش توی خط شعر و شاعری افتاد، خاطره‌ای شیرین نقل می‌کند: «در دبیرستان، دبیر ادبیاتی داشتیم به نام سید عبدالعظیم فیاض. مردی بود فاضل و دانشمند، شاعر و نویسنده، خطاط و نقاش، چاق و با کلاه لبه‌دار. یک روز از همه دانش‌آموزان خواست شعری در پند و اندرز بنویسند و هفته دیگر برای او بیاورند. من هم شعری نوشتم و آوردم. فیاض وقتی آن را خواند، پرسید این را خودت سروده‌ای یا از جایی برداشته‌ای. گفتم خودم گفتم‌ه. دست مرا گرفت و برد به دفتر دبیرستان. رئیس و ناظم

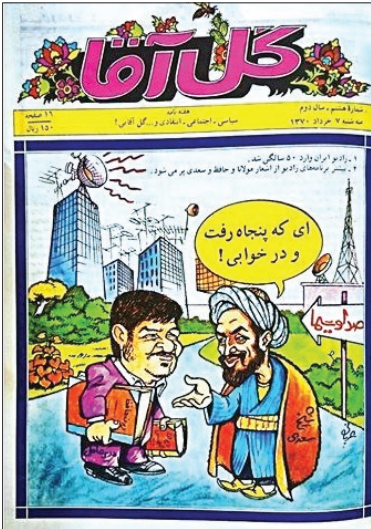
زنده‌یاد سید حسن حسینی
شاعر معاصر، این‌گونه‌از صلاحی یاد کرده‌است: «شاعری فروتن، نازک‌خیال، حساس، نکته‌دان، شوخ‌طبع، بذله‌گو و مهربان و با معرفت؛ همه‌ا با ذهنی مدام حساس و فعال در قبال هم‌نشینی کلمات؛ چه در محاوره و چه در نوشتار و چه در اسامی خاص. او مصرف‌کننده صرف طنز و شوخی نیست، بلکه از تولیدکنندگان مواد اولیه خنده برای صدور به لب‌هاست»

و همه دبیران گوش تا گوش نشسته بودند. مرا به آن‌ها معرفی کرد و شعرم را برایشان خواند. من از خجالت داشتم آب می‌شدم. روز بعد سر صف مرا بردند پشت میکروفون تا شعرم را برای همه مدرسه بخوانم. شعرم را خواندم. در همه مدرسه معروف شده بودم. من در کلاس هفتم بودم، اما کلاس دوازدهمی‌های آمدند و از من شعر می‌خواستند. یاد آن استاد گرمی‌باد که شاید اگر تشویق‌های او نبود، من توی این خط نمی‌افتادم».

■ باد پاییزی سال ۱۳۴۰ و پیاده‌روی با حسین منزوی
اولین شعر عمران صلاحی در پاییز سال ۱۳۴۰ در مجله اطلاعات کودکان به چاپ رسید. شعری در قالب مثنوی که این‌طور آغاز می‌شد: «باد پاییزی بریزد برگ گل / بلبلان آزرده‌اند از مرگ گل»؛ آخر همین پاییز بود که پدر عمران از دنیا رفت و بعد از این اتفاق، صلاحی ۱۵ ساله به همراه خانواده‌اش از تبریز به تهران رفت و در محله جوادیه ساکن شد. بعد از این با شاعری دوچرخه‌ساز به نام رحمان ندایی آشنا شد و از طریق این دوستی و آشنایی، پایش به انجمن‌های ادبی آن زمان از جمله انجمن صائب باز شد. صلاحی از همین رفت و آمدها به محافل ادبی با حسین منزوی آشنا شد؛ «یک شب که از انجمن آذربادگان واقع در امیرآباد می‌آمدم، با حسین منزوی آشنا شدم. جوانی لاغر که دانشجوی دانشگاه تهران بود و در خانه عمویش در جوادیه زندگی می‌کرد و چه عموهای نازنینی، مثل پدر منزوی. از آن به بعد همه در انجمن‌های ادبی، من و منزوی را با هم می‌دیدند. یک شب که پول نداشتم از کلبه سعدا جوادیه پیاده‌آمدم و من این بیت را سرودم: با منزوی پیاده‌روی می‌کنیم ما / خود را بدین وسیله قوی می‌کنیم ما!»

■ سال ۱۳۴۵، سال آشنایی با بزرگان
باز یگوشی بچه محل عمران که با پرباب سنگ، یکی از پره‌های دوچرخه او را شکست، باعث شد که شعری طنز متولد شود؛ شعری که با امضای بچه جوادیه برای روزنامه قکاکی توفیق فرستاده شد: «یک روز که از مدرسه به خانه آمدم، نامه‌ای به دستم دادند. حسین توفیق نوشته بود شعر و کاریکاتور در فلان شماره چاپ شده است. هر چه زودتر خودت را به ما برسان. یک روز عصر با همان دوچرخه قراضه از مدرسه رفتم به اداره توفیق در خیابان استانبول. از سال ۱۳۴۵ عضو هیئت تحریریه روزنامه توفیق شدم. سال ۴۵ در زندگی هنری من نقطه عطفی بود. سرودن شعر نو به فارسی و ترکی، همکاری با توفیق و آشنایی با پرویز شاپور. در توفیق با خیلی‌ها آشنا شدم: مرتضی فرجیان، ناصر اجتهادی، کیومرث صابری، محمد حاجی حسینی، محمد خرمشاهی، غلامعلی لقایی، ابوتراب جلی، ابوالقاسم حالت، منوچهر احترامی و...».

■ صلاحی، رفیق گرمابه و گلستان گل آقا
از همان سال ۱۳۴۵ که عمران صلاحی در روزنامه توفیق با کیومرث صابری آشنا شد، رفاقتشان پا گرفت و تا آخر عمر گل آقا ادامه یافت. صلاحی درباره همکاری‌اش با کیومرث صابری در مجله گل آقا این‌طور گفته‌است: «وقتی مجله گل آقا تأسیس شد من به دلیل مشغله زیاد و علل دیگر از آغاز نتوانستم با آن‌ها همکاری کنم، ولی صابری با کمک فرجیان که سردبیر گل آقا بود و از دوستان توفیقی‌ما بود و سال‌های سال با هم کار کردیم، توانست خیلی از بچه‌های توفیق را جذب گل آقا کند و همان سنت طنز توفیق را ادامه دهد. از سال



۷۵ که من باز نشسته شدم، معمارزاده به جای فرجیان سردبیر گل آقا شد و من هم در گل آقا مستقر شدم و با آن‌ها همکاری کردم، اما چون بیشتر به ماهنامه گل آقا علاقه داشتم در آن‌جا می‌نوشتم و با هفته‌نامه کار نمی‌کردم. از من درخواست کردند در هفته‌نامه گل آقا همان چیزهایی را که در توفیق می‌نوشتم، بنویسم. من به آن‌ها گفتم که در آن زمان ۲۰-۱۹ سال داشتم، ولی حالا بالای ۵۰ هستم و به آن صورت نمی‌توانم بنویسم. در نتیجه این شد که در ماهنامه فعالیت کردم». عمران صلاحی در ماهنامه گل آقا با نام‌های مستعار «ابوقراضه»، «بلاتکلیف»، «کمال تعجب»، «زرشک»، «تمشک»، «ابوطیار»، «بیت حلبی»، «آب حوضی»، «زنبور»، «بچه جوادیه»، «مراد محبی»، «جواد مخفی»، «راقم سطور» و... مطلب می‌نوشت.

■ طنزپردازی تمام عیار صلاحی
عمران صلاحی به عنوان یک طنزپرداز در بیشتر قالب‌های جدید و قدیم شعر از جمله مثنوی، غزل، قطعه، رباعی، دوبیتی، مسمط، شعر نو در اشکال گوناگون و همین‌طور قالب‌های قدیم و جدید نثر مانند رمان، داستان کوتاه، نامه، سفرنامه، نمایش نامه، فیلم‌نامه، واژه‌نامه، خاطره، مصاحبه، نکته، اخبار و آگهی طبع از مایی کرده‌است. یکی از اشعار نیمایی او با درونمایه طنز این شعر است: «صُب زود / وقتی که باد / تو کوچه صداش می‌یاد / می‌رم وفوری درووامی کنم / داد می‌زنم: / ای نسیم سحری! / یه دل پاره دارم / چن می‌خری؟ / یکی از طنزهای صلاحی در قالب مثل و نکته هم شوخی با حسین منزوی است: روزی با حسین منزوی به نمایشگاهی رفته بودیم. آن موقع منزوی خیلی چاق شده بود. او را به دوستی معرفی کردم و با اشاره به شکم پرآمده‌اش گفتم: شاعر برجسته معاصر. او هم اشاره کرد به قد

آگهی نویسی سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۰
حوزه نبی منطقه یک مشهد مقدس
به دستور ماده ۱۲ قانون ثبت اسناد و املاک و ماده ۵۹ آئین‌نامه مذکور اسامی اشخاصی که نسبت به املاک واقع در بخش های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ و